

رسمی که مصیبت شده است

با پیوستن به پویش «نه به غذای ترحیم» از گسترش یک رسم ناپسند در جامعه جلوگیری کنیم

گزارش چهارم



برای دیدن گزارش دیگری در این باره کد را اسکن کنید

بخواهیم با کمک حجت الاسلام والمسلمین جعفر اسلامی فر، استاد حوزه و دانشگاه و کارشناس مسائل دینی نگاهی فرهنگی و اجتماعی به آن بیندازیم. (این چهارمین گزارش از سلسله گزارش های روزنامه شهرآرا در این باره در سال جاری است.)

خانواده عزادار با کلی قرض و بدهی تنها می ماند و همه دل خوشی اش هم به آبروداری است که به جا آورده است. موضوعی که خلاف مبانی دینی و فرهنگی اصیل ما ایرانی ها هم هست و سبب شده تا در چند ماه گذشته پویش های تأمل برانگیزی در این زمینه در برخی از شهرها راه بیفتد و از مردم بخواهد تا با پیوستن به آن راه را بر یک رسم ناصواب در جامعه ببندند. آنچه سبب شده تا ما هم امروز

همون مراسم رو هم نداد، چه پرسه به سوم، هفتم و چهلم. درگذشته های نه چندان دور اگر عزیزی فوت می کرد، نه تنها خانواده اش با چالشی به اسم خرج و مخارج مراسم عزاداری رویه رو نبودند، بلکه تا مدتی هم از سوی نزدیکان و بستگانش حمایت روحی و مالی می شدند. چیزی که امروزه برعکس آن اتفاق می افتد. یعنی نه تنها دیگر خبری از آن حمایت ها نیست، بلکه در انتهای هر مراسم،

معصومه متین نژاد: «دو سال از فوت پدرم می گذره. به وای... هنوز دارم چک های مراسمش رو پاس می کنم». «پسرم رو که توی تصادف از دست دادم. برادرم که خدا خیرش بدهد برام کلی آبروداری کرده بود و حدود ۱۵۰ میلیون خرج رو دستم گذاشته بود؛ از ناها روز تشییع جنازه بگیر تا شام شب چهلم». «مادرم خدایا مرز حدود ۵۰ میلیون پول برای مراسم کفن و دفن خودش کنار گذاشته بود. پولش کفاف

بین میهمانی با میهمانی فرق است!

سفره پهن کردن و مهمانداری سنتی است پسندیده، چون افزون بر اینکه رزق و روزی آدمی را زیاد می کند، سبب تعامل و رفت و آمد بیشتر بین فامیل و بستگان و رفع کدورت های پیش آمده هم می شود. با وجود این فرق می کند که چه سفره ای و به چه منظوری پهن کنیم، برای نمونه توصیه زیادی شده است که برای عروسی فرزندانمان یا عقیقه کردن آن ها میهمانی یا به اصطلاح سور بد هیم. درحالی که برای اتفاقات ناخوشایندی مانند فوت توصیه واجب شده است از برگزاری میهمانی یا همان سفره پهن کردن پرهیز شود. تا آن اندازه که غذا خوردن در خانه صاحب متوفی هم مکروه دانسته شده و برعکس بر تهیه غذا برای اهل آن خانه تأکید شده است.

چرا عزاداری قاعده ای مستحسن است؟

با اینکه مرگ و رفتن جزئی از قانون طبیعت و بخش جدایی ناپذیر زندگی ماست، زمان مشخصی ندارد و نمی توان از پیش برای آن برنامه ریزی و آمادگی لازم را در خود ایجاد کرد. برای همین در بیشتر مواقع بازماندگان از فوت عزیزشان شوک شده و درد و رنج بسیاری را متحمل می شوند. موضوعی که سبب می شود تا آن ها نیازمند حمایت بیشتری از طرف دیگران باشند. از این رو به مردم توصیه شده است که وقتی کسی از دنیا می رود، یکدیگر را خبر و در مراسم تشییع و تدفین او شرکت کنند. در اینجا توصیه بر حضور حداکثری است تا همه به ویژه خانواده داغ دار از فواید و آثار مثبت آن برخوردار شوند. برای نمونه،

● حضور در چنین مراسمی یاد مرگ را برای ما تازه و دل بستگی مان را به دنیا کمتر و برنامه ریزی مان را برای آخرت بیشتر می کند.

● حضور ما آن هم در تعداد زیاد سبب تسلی خاطر بازماندگان می شود و تحمل مصیبت را برای آن ها آسان تر می کند. اجازه نمی دهد تا آن ها در تنهایی خودگوشه انزوا بغل بگیرند و افسرده و بیمار شوند.

● بر اساس روایات وقتی چهل مومن از حق خود نسبت به درگذشته بگذرند و شهادت به خوبی آن فرد بدهند، خداوند هم به علت کرامت این افراد از حق خودش نسبت به اومی گذرد و او را می آمرزد.



طرح: خدیجه نازاریان شهرآرا

هم زبانی و دعا

درگام بعدی مستحب است که زبانی با خانواده متوفی همدلی کنیم و آن ها را دلداري بدهیم و برای آن ها و فرد فوت شده دعا کنیم تا تسلی خاطرشان شود. مانند اینکه بگوییم: خدا این عزیز درگذشته را بیامرزد و این مصیبت را برای شما آسان کند و با نیکی پاداش صبرتان را بدهد.

کردن و کنار آمدن با درد و رنج عزیزش، از همان ساعت های ابتدایی باید به فکر ضبط و ربط میهمان هایشان باشد. واقعا دغدغه ای جدی و استرس زاست. نقل است پیامبر اکرم (ص) پس از شهادت جعفرین ابی طالب به دخترشان فرمودند: همراه با زنان دیگر به خانه اسما بنت عمیس، همسر جعفر، بروید و چند روزی در تهیه غذا و فراهم کردن کار های دیگر کمک حالش باشید.

دلداری حضوری

دلداری حضوری به این معناست که پس از مراسم تدفین، باید حضوری به دیدار بازماندگان متوفی رفت و با آن ها همدلی کرد. پس یاد مان باشد، تسلیت گفتن از راه دور با پیغام یا تلفنی اگرچه خوب است کافی نیست و باید خود را به صاحبان عزانشان داد.

پرهیز از به سختی افتادن

نکته مهمی که این روزها از آن غفلت شده، زحمت دادن به خانواده متوفی است. وقتی فردی فوت می کند، به اندازه کافی اطرافیان او درد و رنج دارند که نخواهند در این شرایط بار دیگری را به دوش بکشند. اینکه خانواده داغ دیده به جای فکر

رفتن به مراسم تعزیه واجب است؟

چرا باید مقابل این رسم اشتباه ایستاد؟

در اشاعه این رسم اشتباه در جامعه همه ماکم و بیش مقصیریم. از رسانه ها و خطبای مذهبی که اطلاع رسانی کافی نداشته اند تا مردمی که با چشم و هم چشمی هایشان به این رسم اشتباه دامن می زنند. شرایط به گونه ای شده است که مردم این فرهنگ اشتباه را نوعی آبروداری برای خود و متوفایان می دانند و حتی اگر نداشته باشند، بر خود واجب می دانند تا قرض کنند و از همان روز نخست خرج بدهند. درست مانند خرج و مخارج سنگین عروسی های امروزی که عروس و داماد یا خانواده هایشان باید تا سال ها بعد جور آن را بکشند. آفت های برگزاری یا اصرار بر برگزاری این نوع مراسم بسیار بیشتر از آن چیزی است که گفتیم. برای نمونه می توان به این موارد هم اشاره کرد.

- نداشتن آمادگی روحی بازماندگان برای برگزاری میهمانی و پذیرایی در چنین شرایطی.
- گسترش چشم و هم چشمی در جامعه با رسم های من در آوری که هر روز بر تعداد آن ها در جامعه افزوده می شود، مانند سپردن کارهای عزاداری به مراکز تشریفات به جای فک و فامیل و همسایگان.
- رها کردن بازماندگان به حال خودشان پس از برگزاری مراسم تعزیه. به ویژه در شرایطی که سرپرست خانوار فوت کرده و از او فرزندان کوچکی هم به جا مانده است.
- ایجاد شرمندگی در صاحبان عزاو زیر دین بردن آن ها یا انجام کارهایی مانند ارسال دسته گل و چاپ بنر و عرض تسلیت در روزنامه ها.

حالا تحریم کنیم یا ترحیم برویم؟

برگزاری مراسم سوم، هفتم، چهلم و سال یا حتی قرآن خوانی های آخر هفته که درگذشته بسیار رسم بود، سنتی پسندیده است و منظور ما از این صحبت ها ترحیم آن ها نیست، بلکه باید این رسم اشتباه را به مسیر درست خودش برگردانیم. یعنی در کنار حذف تجملات از چنین مراسمی، از سفارش دادن سنگ قبرهای لاکچری تا غذا دادن در هتل ها و رستوران ها، باید به دنبال برگزاری مراسمی بسیار ساده باشیم. پذیرایی با چای و خرما. همراه با تلاوت قرآن و ادعیه و تسلیت گفتن های حضوری و زبانی ساده و صمیمی، همه آن چیزی است که شایسته مراسم تعزیه است و باید باشد.

نکته دیگری که باید در این فرهنگ سازی به آن توجه داشته باشیم گسترش کار خیر و عام المنفعه به اندازه توان هر خانواده است. یعنی بازماندگان فرد فوت شده باید مختار باشند به هر اندازه که دوست دارند یا توانش را دارند، هزینه های مراسم تعزیه را برای شادی روح درگذشته شان صرف امور خیر کنند. اطلاع رسانی این موضوع در بین فک و فامیل و دوست و آشنایمی تواند به فرهنگ سازی این امر مهم در جامعه کمک زیادی کند. همه می دانیم که تا اصلاح این رسم ناپسند در جامعه و برگشتن آن به مسیر درست خودش، آن گونه که درگذشته رسم بود، راه طولانی است. یعنی همسایگان و بستگان نزدیک خانواده عزادار تا چند روز غذای این خانواده را تهیه کنند و در کنارشان باشند. از این رو لازم است، اگر پس از این به مراسم پذیرایی تعزیه ای دعوت می شویم، خیلی مؤدبانه تشکر و آن را رد کنیم. همچنین از خانواده عزادار بخواهیم این هزینه را برای درگذشته شان اتفاق کنند.